



موانع و مقتضیات اقتصادی تربیت

امور اقتصادی از مهم ترین موانع و مقتضیات تربیت آدمی است، یعنی مناسبات اقتصادی، نوع معیشت، تولید، توزیع، مصرف، نوع کسب درآمد، دیدگاه ها و روابط و فرهنگ اقتصادی و جز اینها، همه و همه به اعتباری امور تربیتی اند. رابطه ی امور اقتصادی و فرهنگ و تربیت رابطه ای تنگاتنگ است به گونه ای که تامین درست نیازهای اقتصادی در برنامه ی تربیت ایمانی از مهم ترین جایگاه برخوردار است. لذت زندگی و سیر متعالی جز به سامان یافتگی امور اقتصادی میسر نمیشود. از منظر امام علی (ع) رفاهت زندگی آدمی مایه ی سامان یابی تربیت و سلامت اجتماعی است، چنانچه پیشوای موحدان، علی (ع) در عهدنامه ی مالک اشتر بدین حقیقت توجه داده و فرموده است: پس روزی ایشان را فراخ دار که فراخی روزی نیرویشان دهد تا در پی اصلاح خود برآید، و بی نیازشان سازد تا دست به مالی که در اختیار دارند نگشایند، و حجتی بود بر آنان اگر فرمانت را نپذیرفتند، یاد امانت خیانت ورزیدند.

امام علی(ع) صراحت مالک را فرمان می دهد که کارکنان و کارمندان را از نظر اقتصادی کاملاً تامین نماید تا بستر اصلاح و رشد و تعالی شان فراهم شود. تربیت در خلا حاصل نمی شود و به بار نمی نشیند، بلکه به زمینه ای مناسب دارد که رفاهت ایجاد کننده ی آن زمینه است. انسان گرفتار دغدغه یمعاش و اسیر بند های کمبود داری و ناداری، آزادی لازم برای رشد و تعالی را ندارد، و نیز انسان فرورفته در دام انبوه داری و فزونخواهی و گرفتار طغیان بسیار داری، از آزادی معقول برای سیر به سوی کمال انسانی محروم است، و آنچه بهتر زمینه ی اقتصادی تربیت آدمی است، رفاهت معقول و معتدل یعنی غنای کافی است، یهی اینکه انسان از دو مانع جدی تربیت آزادی گردد، از کمبود داری و ناداری، و از انبوه داری و فزونخواهی، و بر اساس تامین معقول و معتدل نیازهایش به آزادی اقتصادی برای سیر به سوی اهداف تربیت دست یابد.

کمبود و ناداری و تربیت: کمبودداری و ناداری انسان را در اسارت خود می گیرد و به صورت مانعی جدی در تربیت حقیقی عمل می نماید. در منظر امیر مومنان علی(ع) کمبود داری و ناداری مرگی سخت تر از مرگ طبیعی است، زیرا انسان گرفتار فقر و مسکنت در بهره مندی از تربیت فطری و سیر به سوی کمال حقیقی پیوسته با دشواری روبرو می گردد و شکوفایی استعدادهایش آسیب می بیند و هیچ ستمی به انسان بالاتر از این نیست که استعدادهایش سرکوب شود و از زندگی معقول و معتدل و بستر مناسب برای سیر به سوی کمال حقیقی خود محروم بماند. امام علی(ع) در حکمتی نورانی فرموده است: تنگدستی بزرگتر مرگ است

امام علی(ع) با بیانی استعاری بدین حقیقت اشاره کرده است که انسان تنگدست از خواسته ها و مطلوب های خویش که سرمایه ی زندگی مادی است محروم می شود و از این رو دچار تالم و تاثر می گردد

و بالطبع از مقاصد خویش باز می ماند و این مرگی بزرگتر از مرگ طبیعی است، زیرا اندوه ها و سختی های تنگدستی پیاپی انسان تنگدست را در طول زندگی اش در بر می گیرد و متاثر می سازد، اما مردن یک بار است و مصیبت آن نیز یک مرتبه با این نگرش است که از امام علی (ع) روایت است که فرمودند: در گور رفتن از تنگدستی بهتر است.

پیامد های تباهاگر تنگدستی محدود به یک وجه خاص از تربیت نمی شود، بلکه کمبودداری و ناداری موجب افول در دینداری می گردد، زیرا اندیشه ی شخص مشغول تنگدستی می شود و انسان نیرو و توان لازم برای عبودیت درست و عبادت با نشاط را از دست می دهد، همچنین مهم ترین شان آدمی که خردمندی اوست، دچار سردرگمی و آشفتگی می گردد و در مرتبه ای نازل گرفتار می شود، و نیز انسان در مناسبات و روابط اجتماعی خود آسیب می بیند و به کینه و دشمنی کشیده می شود. بنابراین تبعات ویرانگر تنگدستی در همه ی وجوه فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جلوه می یابد.

امیرالمومنین علی (ع) گرفتار شدن در اسارت کمبود داری و ناداری را بستر بسیاری از آسیب های فردی و اجتماعی دانسته و آن را نکوهیده ترین عوارض جامعه معرفی کرده و درباره ی آن تعبیری این گونه کرده است: فقر نیمی از کفر است

فقر فراموشی و غفلت می آورد
کمبود داشتن خواری است

کمبود داری و ناداری با توجه به پیامد های یاد شده اش مانعی سخت در برابر رشد و کمال آدمیان است و اعتدال فرد و جامعه را که لازمه ی تربیت فطری است مختل می سازد. امام علی (ع) در رفع آن برای ایجاد زمینه ی مناسب تربیت می کوشید و از آن به خدا پناه می برد و می فرمود: خدایا به تو پناه می برم از آنکه در سایه ی بی نیازیت نادار مانم.

انبوه داری و فزونخواهی، و تربیت: انبوه داری و فزون خواهی نیز مانعی جدی در تربیت حقیقی آدمی و بستر طغیان و عصیان مردمان به است. انبوه داری و فزونخواهی انسان را به خود مشغول می سازد و به صورت عاملی غفلت زا و اعتدال زدا عمل می نماید و نقشی بازدارنده در تربیت دارد و به شدت پاکی و پاکدامنی و انسانیت انسان را تهدید می کند. بی گمان مالدوستی و در نتیجه انبوه داری و فزون خواهی بستر بسیاری از ستم ها و بیدادها و نیز تباهی ها و نامردی ها است. در نگاه تربیتی امام علی(ع) دل بستن به مال و منال و اسیر شدن در آمال ان مایه ی تباهی و اندوهناکی و آشفته گی درون است. امام در حکمتی والا فرموده است: (ای مردم خواسته ی دنیا خرده گیاهی است خشک و باآلود که از چراگاه آن دوریتان باید نمود. دل از آن کردن خوش تر تا به آرام رخت در آن گشادن، و روزی یک روزه برداشتن پاکیزه تر تا ثروت آن بر روی هم نهادن.

آن که اران بسیار برداشت به درویشی محکوم است و آنکه خود را بی نیاز انگاشت با آسایش مقرون. آنرا که زیور دنیا خوش نماید کوری اش از پی درآید. و آنکه خود را شیفته ی دنیا دارد، دنیا درون وی را از اندوه بینبارد و این اندوه در اعماق قلبش بماند. اندوهی براو چیره شود و به خود مشغولش دارد، و اندوهی محزونش نماید و همچنان با او در ستیز و کشاکش بود تا انگاه که گلویش بگیرد و در گوشه ای بمیرد. شاه‌رگ حیاتش بریده، اجلش رسیده، نیست کردنش بر خدا آسان و افکندنش در گور به عهده ی برادران.)

امیر مومنان ثروت اندوزی و دل سپردگی بدان را چنین معرفی می کند و آنرا را مایه ی افزونی آرزو زیادت نیاز، و انباشتگی انبوه درد دل و آشفتگی پی در پی می داند، زیرا انبوه داری به افزون خواهی دامن می زند و شعله ی آرزو آدمی را بر می افروزد به خاطر آنچه نتوانسته است به دست آورد و یا به خاطر آنچه از دست داده است، خود را گرفتار اندوه ها و پریشانیا و نگرانی ها می سازد.

و چنین حالتی انسان را از سیر به سوی تربیت حقیقی بازمی دارد و لطافت وجودی آدمی را می گیرد و دین او را تباه و به بندگی غیر خدا گرفتار می نمایاند. امیر المومنین می فرمایند: خیر آن نیست که مال و فرزندان بسیار شود بلکه خیر آن است که دانش فراوان گردد و بر بردباری ات بزرگمقدار، و بر مردمان سرافرازی کنی به پرستش پروردگار. پس اگر کاری نیک کردی خدا را سپاس گویی و اگر گناه ورزیدی از او آمرزش جویی، و در دنیا خیری نبود جز دو کس را: یکی آنکه گناهی ورزید و به توبه ی آن گناهان در رسید و دیگری آن که در کارهای نیکو شتابید.

غناى كفاى و تربيت: آنچه از نظر اقتصادى در زندگى آدمى بهترين مقتضى رشد و تعالى و تربيت حقيقى است، غناى كفاى است، يعنى تامين همه ي نيازهاى اساسى آدمى شامل خوراك، پوشاك، نوشاك، مسكن، مركب، تزويج و جز اينها به طور معقول و معتدل به گونه اى كه افراد زندگى آبرومند و متناسب داشته باشند و اين تامين همه جانبه و توام با قناعت و مناعت، امنيت و رفاهت و كرامت لازم براى شكوفايى فطرت آدمى و تربيت حقيقى او را فراهم نمايد. در اين صورت است كه انسان و جامعه ي انسانى به بستر زندگى متعالى دست مى يابد. امير مومنان در ستايش چنين قناعتى كه زمينه ي تربيت مطلوب آدمى است، فرموده است:

(قناعت مالى است كه پاىان نيابد

هيچ گنجى پرمايه ترو بى نياز كننده تر از قناعت نيست.)

بى نيازى واقعى كه بهترين زمينه ي تربيت از نظر اقتصادى است، همين غناى كفاى توام با قناعت است .

غنا ی کفافی و تامین کافی انسانها را به پاکی و پاکدامنی سوق می دهد. اگر قرار باشد که فرد و جامعه به سمت تعالی بروند، جز در بستر پاکی و پاکدامنی نمی توان این سیر تربیتی را فراهم کرد. انسانی که می تواند با غنا ی کفافی زیست کند و بدان خرسند باشد، بهترین امکان تربیتی را به دست می آورد و به آسایش و آرامش لازم برای سیر به سوی کمال مطلق دست می یابد. غنا ی کافی و قناعت پیشگی انسان را به اعتدال و آسایش حقیقی که بهترین مقتضی تربیت فطری است سوق می دهد و این والاترین حرکت اصلاحی در زندگی مردمان است. غنا ی کفافی و زندگی بر اساس میانه روی و آزاد بودن از اسارت کمبود داری و ناداری از یک سو و انبوه داری و فزونخواهی از سوی دیگر، مطلوب ترین مقتضی اقتصادی تربیت است.

بنابراین برای هموار شدن راه نیکوی تربیت فطری، باید کمبود داری و ناداری زدوده شود و مناسبات اقتصادی به گونه ای تنظیم شود که فقر ظهور و شیوع نیابد و همواره باید پس از پیدایش آن در صدد رفع آن برآمد و علل پدید آورنده ی آن را، چه اشخاص و چه مقررات و چه فرهنگ و مناسبات، نابود ساخت. و نیز باید با انبوه داری و فزون خواهی که موجب هلاکت فرد و جامعه در زندگی این جهانی و زندگی آن جهانی است مقابله شود و راه های منتهی به چنین تباهی مسدود گردد، و اقتصادی معقول و متوازن و معتدل که زمینه ی تامین کافی و غنا ی کفافی را برای مردمان و زندگی همراه با امنیت و رفاهت و کرامت را برای همگان فراهم می سازد، شکل گیرد تا زمینه ی تربیت به درست سامان یابد.